

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و نهم سال چهارم درس خارج فقه القضا 20 دی ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

رتبه بندی امارات قانونی و متون فقها

اهمیت دادن به اسناد رسمی:

با توجه به این که در گذشته نیز ثبت و اسناد به گونه ای دیگر بوده است که توسط علما و مُهر ایشان صورت می گرفته است. ممکن است گفته شود بینه و شهادت اماره ای قانونی منصوص و مطلق (نیاز به علم و اطمینان ندارد) هستند بنابراین اگر این شهادت با سند قانونی که در اسناد شرعی موجود نمی باشد تعارض کند، بینه و شهادت مقدم است. البته مادامی این کلام صحیح است که سند را قبول داشته باشیم وگرنه سوگند هم مقدم بر سند می شود. این گفتار نسبت به رد سند رسمی در فلسفه فقه یا حقوق، اسم گزایی گویند. البته ناگفته نماند اگر قاضی از طریق سند رسمی علم برایش حاصل شود این دیگر بحث جداگانه ای دارد و ما نحن و فیه غیر از این کلام است.

در مقابل اسم گرا، کارکردگرا یا واقع گرا هست؛ اگر واقع ملاک باشد باید از سند محکم و رسمی صحبت کنیم و همچنین شهادت شهود بر اساس واقع، عدالت و تخصص باشد حال بنای عقلا در چنین وضعی بر اعتبار سند رسمی و شهود این گونه می باشد.

نیاز به امضا شارع و رساندن این رویه به عصر معصوم علیه السلام نمی باشد زیرا از بنای عقلا که برخاسته از عقل است می باشد بنابراین نیاز به امضا شارع و معاصرت معصوم ندارد. (برای مطالعه بیشتر به این مقاله مشترک استاد محترم رجوع شود؛ راهکارهای فقهی تصحیح شرعی رفتارهای قانون گذاران عقلا؛ پاییز 1400)

حال در تعارض بینه و شهادت این گونه (کارکرد گرا) با سند رسمی باید مورد را بررسی نماییم.

مانند این که صاحب سند، ذوالید نیز است و سالها در این منزل ساکن می باشد؛ حال شخصی با دو شاهد معتبر و اطلاع از سکونت ذوالید اکنون ادعای آن ملک را می کند.

آیا اکنون این شخص ذوالید را شرعا می شود از خانه اش بیرون کرد؟! خیر، لکن اگر شخص مدعی ملک مطلع از سکونت ذوالید نمی بود در این حالت قول او مقدم می شد ولی الان که مطلع بوده و سالیانی نیز اقدام نکرده است دیگر حق ندارد ادعای ملک مورد نظر را بکند.

اصلا هنر قاضی این است در چنین شرایطی به پیرامون موضوع به دقت نظاره کند و بعد حکم بکند نه این که با اندک زمان حکم کند، مانند مثال گذشته (ذوالید طویل المدة) که قرینه بر ذی حق بودن مالک طویل المدة است.

مثال دیگر: اگر زوجه ادعای نفقه کند و حال این که با زوج در یک خانه بوده است و شاغل نیز نبوده ولی بعد از چند سال این زوجه ادعای نفقه بکند! این خلاف ظاهر است گرچه موافق اصل عدم وصول نفقه (استصحاب) است؛ علما در این موارد بحث دارند و حق را به زوج می دهند حداقل فی الجمله، خوب این کلام را در بحث ذوالید طولانی مدت نیز جاری کنیم.

به مباحث مطرح شده امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری را اضافه کنید که اگر این امور (عدم اعتبار سند رسمی) رعایت نشود، بر امنیت اقتصادی ضربه سنگین وارد می شود.

به نظر استاد محترم: قاضی باید این شواهد و بینه ها را بررسی کند تا به علم یا اطمینان خصوصا در امور حقوقی نه کیفری

